

یادسی از گرتروء بل، بانوس سیاح انگلیسی و سفرنامه او

آزاده حیدری

با بررسی تاریخ سیر و سیاحت در ایران و مطالعه سفرنامه‌های سیاحان مشخص می‌شود که تنها مردان نبوده‌اند که به ایران سفر می‌کردند، بلکه زنان نیز نقش مهمی در ثبت تاریخ و فرهنگ ایران دارند. این سیاحان علاقمند، به هر دلیل اقدام به ثبت و کتابت یافته‌های عینی خود در قالب «سفرنامه» نموده‌اند.

تعدادی از این سفرنامه‌ها توسط زنان سیاح نگارش شده که به علت توجه دقیق و ظریف آنان به شیوه زندگی ایرانیان از اهمیت خاصی برخوردار است و جذابیت ویژه‌ای دارد. سفرنامه «گرتروء بل»، یکی از همین نوع سفرنامه‌هاست. بنابراین این مقاله ضمن ارائه مقدمه‌ای در مورد سفر و سفرنامه‌ها و تعاریف آنها به بررسی و معرفی سفرنامه این سیاح زن انگلیسی می‌پردازد.



گرتروء بل

سفرنامه‌ها

سفر، رهایی است، رهایی از قیدها و بندهایی که هر کس به دور خود پیچیده، ولی در وقت سفر، حتی یک نفر از هزار نیست که بتواند این قید و بندهای تمدن را به دور اندازد، بندها و راحتی‌های ناشی از عاداتی که در اثر استفاده طولانی به آنها خو گرفته‌ایم. (بل، ۱۳۶۳، ص ۵۵)

خصوصیات سفرنامه‌ها

در دنیا سفرهای فراوانی انجام شده و می‌شود. افراد و جماعات با انگیزه‌های مختلف سفر کرده‌اند اما آنان که با عشق آنچه دیده، شنیده و یا لمس کرده را بر روی کاغذ نگاشته‌اند بسیار اندکند. اینان عالمانی بوده‌اند که برای گسترش فرهنگ و علم، از خود آثاری به یادگار گذاشته‌اند. بعضی با انگیزه‌های شخصی چنین کاری کرده‌اند، عده‌ای نیز به عنوان مامور، از دربارهای سلاطین و یا موسسات مختلف گزارش تهیه نموده‌اند. سفر و سفرنامه‌ها موجب تحول بسیاری از علوم شده است. سفر همچنان که در سفرکننده ایجاد تحول فکری و روحی کرده است نقل آن چه به صورت شفاهی و یا انتقال آن به صورت کتبی موجب تحولات عمیق اجتماعی، علمی، سیاسی و فرهنگی شده و اثراتی را بر جای گذاشته است. (فدایی عراقی، ۱۳۷۵، ص ۵۳-۵۴)

در سفرنامه‌ها بسیاری از مسائل تاریخی، جغرافیایی و نکات ارزشمند دیگر که برای تحقیقات بشری مفید است، آمده است. برخی از این سفرنامه‌ها علاوه بر دارا بودن واقعیات اجتماعی، حاوی بسیاری از اسناد و نامه‌های تاریخی می‌باشند که در تدوین تاریخ ملت‌ها و روابط خارجی کشورها بسیار تاثیر دارند. (حکیمی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۳۵-۳۶)

روابط ایران و انگلیس در زمان ناصرالدین شاه قاجار

در شوال سال ۱۲۶۴ ق. دوره پنجاه ساله پادشاهی ناصرالدین میرزا فرزند بی‌کفایت، لجوج، نادان، آزمند و شهوت‌پرست محمد شاه آغاز شد. از نظری می‌توان آن نیم قرن را درازترین و مهمترین فصل تاریخ مناسبات دیپلماتیک میان ایران و انگلستان به شمار آورد، اما ناصرالدین میرزا، جانشین و بزرگترین پسر محمد شاه با آن همه کمبودهای اخلاقی بختش یار بود، چه دست تقدیر یکی از کاردان‌ترین مردان تاریخ ایران را به پاسبانی تاج و تخت و برقراری آرامش در زاد و بوم وی گماشت، هر چند این دوره کوتاه بود.

در خلال پنجاه سال سلطنت ناصرالدین شاه از سال ۱۲۶۴ تا ۱۳۱۳ ق. دست کم شش تن تکیه بر مسند نخست وزیر ایران زدند و چهارده تن از وزیران مختار و کارداران انگلیسی به ایران آمدند که بر روی هم، کشش‌ها و کوشش‌های آنان رویدادهای تاریخ پنجاه سال پادشاهی ناصرالدین شاه قاجار، آن «سلطان صاحبقران» را تشکیل می‌دهد. در آغاز این نیم قرن، کارداری و کفالت وزیر مختاری انگلیس در تهران به عهده «کلنل فرانت» بود. همو بود که خبر درگذشت محمد شاه را به «مستر استی ونس» کنسول انگلیس در تبریز مخابره کرد و «ابوت» از مأموران کنسولگری خود را از تهران بی‌درنگ به تبریز فرستاد تا در تدارک مقدمات حرکت شاه جدید به پایتخت شتاب کند. به همین سبب ناصرالدین میرزای ولیعهد مدت‌ها پیش از رسیدن چاپار و دریافت نامه‌ای از مهد علیا، مادرش، خبر درگذشت پدر خود را از زبان استیونس کنسول انگلیس شنیده بود.^۱ (حقیقت، ۱۳۸۱، ص ۴۱۴)

یکی از سفرنامه‌های دوران ناصرالدین شاه، سفرنامه گرتروُد بل است. این سفرنامه با مقدمه ایران شناسان شهیر انگلیسی «سر دنیس راس»^۲ و «آرتور جان آبربی»^۳ آغاز شده است. گرتروُد لوئیان بل^۴، در سال ۱۸۶۸ م. در واشنگتن به دنیا آمد و در سال ۱۹۲۶ م. درگذشت.

او از جمله نخستین زنان انگلیسی است که به دانشگاه راه یافته و به دلیل روحیه پژوهشی و نیز سفرهای طولانی و ماجراجویانه اش به عنوان افسر سیاسی انگلستان در کشورهای خاورمیانه، کمک‌های شایانی به این کشور در دوران جنگ جهانی اول کرده است. او فارغ‌التحصیل ممتاز رشته تاریخ از دانشگاه آکسفورد است و زمانی به تحصیل پرداخت که تحصیلات دانشگاهی برای زنان هنوز امری غیر معمول بود اما با این وجود تنها ظرف مدت دو سال تحصیلات خود را در آکسفورد به پایان رساند و سپس در مسیر سفرهای خود به دور دنیا به ایران آمد.

به نظر او زندگی در شرق را می‌توان در دو عنصر خاک و آفتاب خلاصه کرد. آن گاه که بی‌توجه در درگاه ایستاده‌ای اقرار خواهی کرد که این سفر دراز بی‌په‌په نبوده است اما همزمان با حرکت دسته جمعی مردمی که پشت سر تو حرکت می‌کنند ناگاه در خواهی یافت که چه شکاف و گرداب ژرفی میان تو با آن‌هاست. مردم مشرق زمین درباره دنیای بزرگتری که تو شهروند آن هستی چیزی نمی‌دانند بنابراین چیزی از تو و تمدن تو نمی‌پرسند.

گرتروید بل از اوایل قرن بیستم به شدت شیفته مردم و کشورهای عربی شد و پس از آموختن زبان عربی و تحقیق در مورد این کشورها، به سفر در کشورهای عربی پرداخت. بعدها از سوی سرویس‌های جاسوسی انگلستان در جریان جنگ جهانی اول به عنوان افسر سیاسی به این کشورها اعزام شد و به مقام دبیر واحد شرقی در کمیسیون عالی امور بغداد ارتقا یافت و به واسطه نقشی که در روی کار آمدن بسیاری از شاهان و شاهزادگان در عراق پس از جنگ جهانی اول داشت به عنوان «پادشاه ساز» دولت عراق شهرت یافت. وی در مدت حضورش در این کشور مدیر افتخاری اداره عتیقه‌جات این کشور شد. تاسیس موزه بغداد در عراق نیز از جمله اقدامات او در زمینه حفظ آثار فرهنگی به شمار می‌آید.

گرتروید بل، باستان‌شناس، آگاه از تاریخ خاورمیانه، عرب‌شناس، تحلیلگر سیاسی، نویسنده و در عین حال جاسوس انگلیسی، در جریان جنگ جهانی اول به «سرهنگ لورنس»^۵، «ژنرال کلیتون»^۶ و «پرسی کاکس»^۷ کمک کرد تا طوایف جزیره العرب را برضد عثمانی متحد، به سلاحهای انگلیس مجهز و به شورش وادار کنند، طایفه هاشمی را از حجاز به اردن کوچ دهند و امیران این طایفه را به پادشاهی دو کشور «لندن ساخته» اردن و عراق برگمارند، از سه ایالت (ولایت) سابق عثمانی در بین‌النهرین کشور عراق را بسازند و مرزهایش را تعیین کنند از جمله مرز مسئله ساز ایران و عراق را. گفته می‌شود که وی نقش مهمی در شکل دهی به جغرافیای سیاسی عراق امروزمین داشته است.

در سال ۱۸۹۴م. سفرنامه او با نام «سفرنامه، تصویرهایی از ایران، شرح مسافرت»^۸، بدون ذکر نام نویسنده منتشر شد. در سال ۱۸۹۷م. وی اشعاری از دیوان حافظ^۹ را چاپ کرد که سواد ادبیات فارسی و استعداد وی در شاعری را نشان می‌دهد. پس از انتشار این کتاب علاقه اصلی او متوجه دنیای عرب شد. از زمان نخستین دیدارش از بیت المقدس در سال ۱۸۹۹م. تا هنگام درگذشتش که به سال ۱۹۲۶م. در بغداد فرا رسید، بخش اعظم زندگی‌اش در میان عربها گذشت. در سال ۱۹۵۷م. وی اولین اثر کثیرالانتشار خود را به نام «بیابان و کشتزار»^{۱۰} منتشر کرد و با این اثر سرانجام به عنوان یک محقق و سیاح مشهور شد.

کتابهای گرتروُد بل عمدتاً درباره شرق و کشورهای خاورمیانه است که از این میان دو کتاب او به طور خاص به ایران اختصاص دارد. بانو گرتروُد بل، به دیوان حافظ بسیار علاقه‌مند بود. قطعه زیر از منتخبات اشعار خواجه است که خانم بل آنرا ترجمه کرده و به طوری که گفته می‌شود او این الهام غیبی را بارها به فارسی و انگلیسی تکرار می‌نمود. عنوان این قطعه، «مژده وصل» بوده که حافظ علیه الرحمه می‌فرماید:

مژده وصل تو کوکز سر جان برخیزم
طایر قدسم و از دام جهان برخیزم
بولای تو که گر بنده خویشم خوانی
از سر خواجگی کون و مکان برخیزم
یا رب از ابر هدایت برسان بارانی
پیشتر زآنکه چو گردی ز میان برخیزم

در اینجا به بخشی از ترجمه انگلیسی غزل خواجه حافظ از گرتروُد بل اشاره می‌شود: (اخبار هفته، ۱۳۲۷، ص ۱۶)

where are the things of union? that i may arise,
forth from the dust i will rise up to welcome thee!
my soul, like a homing bird, yearning for paradise,
Shall arise and soar, from the snares of the world set free ...

کتاب «تصویرهایی از ایران»^{۱۱} دومین کتاب اوست که همانند بیشتر کتاب‌هایش مبتنی بر خاطرات سفر و پژوهش‌های قبلی‌اش درباره ایران است. او در سال ۱۸۹۲ م، برابر با ۱۲۷۱ ش. در زمان پادشاهی ناصرالدین شاه قاجار به ایران آمد، در حالی که به زبان فارسی تسلط داشت. وی معتقد بود که در فضای ایران جادوی خاصی وجود دارد که به دیدارکنندگان خود، شعر و افسانه الهام می‌کند، ایرانیان هم خود جاذبه زیرکانه‌ای دارند، زیرا چه شاهزاده و چه قاطرچی، شاعر و فیلسوف طبیعی‌اند.

کتاب خانم بل چندان دارای اهمیت و اعتبار نیست، زیرا نه سندی تاریخی به حساب می‌آید و نه تحقیقات جغرافیایی و باستانشناسی و یا اجتماعی. نویسنده مطالبی سطحی درباره مراسم مذهبی و وضع زنان ایرانی و بخصوص حجاب آنها نوشته است که در خور توجه نمی‌باشد.^{۱۲} با اینحال ایران و ایرانی و مشرق زمین را دوست داشته و سادگی زندگی آنها را ستوده است. او با دقت و هوشمندی خاصی به طرز زندگی ایرانیان نگریسته، و دیده‌ها و شنیده‌های خود را ثبت کرده است. نسبت به مراسم و اعیاد مذهبی، عزاداری‌های دهه اول محرم و شب بیداری‌های شهبای قدر توجه کرده و از ماه مبارک رمضان و روزه‌داری سخن گفته است. مهمان‌نوازی، آداب و رسوم، پوشاک و خصوصیات ظاهری مردم ایران نیز برای او بسیار جالب توجه بوده و جذابیت خاصی داشته است. وی بخشی از این کتاب را در هنگام اقامت در ایران نگاشت و بخشی را پس از ورود به انگلستان. او پس از ورود به قزوین به تهران رفته و پس از سفر به منجیل و رشت، از شمال کشور خارج و به سمت باکو حرکت کرده است. وی با همراهی لیدی لاسلز به ایران آمد. خانم بل تنها چند ماهی پیش از عزیمت به تهران آموختن زبان فارسی را آغاز کرده بود. با اینحال پس از آن مدت کوتاه، می‌توانست فارسی را تا حدی به روانی بخواند و بی‌تردید مقدار زیادی از آنچه را در مکالمات میشنید درک می‌کرد.



گرتروید بل در زمان اقامت در عراق

خانم بل با تمام وجود ادبیات ایرانی را ستایش می‌کند و با جان و دل دوست دارد و گفته‌هایش سرشار از حسی لطیف و شاعرانه است و به زیبایی از این حس سخن می‌گوید. او در نامه خود می‌نویسد: «هیچ چیز برای روح، آرامش‌بخش‌تر از آن نیست که در نوئی که در میان چنارهای باغ ایرانی بسته شده است دراز بکشی و اشعار حافظ را به زبان اصلی از کتابی با جلد چرمین منقش، که از بازار خریده‌ای، بخوانی.» (بل، ۱۳۶۳، ص ۹)

گرتروید بل در سفرنامه خود به کرات راجع به مراسم مذهبی ایرانیان سخن می‌گوید. او راجع به ماه محرم می‌نویسد: «با شروع ماه محرم هیجان مذهبی پنهان مشرق زمین آشکار شد. هر شب هنگام غروب شیون و زاری عزاداران فضا را پر می‌کرد و غم و اندوه

گاهی اوج می‌گرفت و گاهی تخفیف می‌یافت. سرانجام روز دهم محرم فرا رسید. روزی پر اهمیت برای همه مسلمانان، زیرا که این روز، روز شهادت امام حسین (ع) بوده است. کمی بعد از ظهر، صدای عزاداران در دهکده پیچید. اهالی که دسته‌هایی تشکیل داده بودند در خیابان‌های سایه‌دار به راه افتادند و از باریکه‌ای از صحرا که به خیابانهای اصلی میرسید گذشتند. اندوه و ماتم این گروه عزاداران مایه شگفتی بود نسبت به قهرمان دلیری که پیکرش از بیش از دوازده قرن پیش در دشت کربلا آرمیده است...»

بل، در ادامه مراسم، ضمن نقل جزئیات می‌نویسد: «... مراسم واقعی هنگام شب برپا شد. روی سکو، نوحه خوانی با لباس بلند و عمامه سفید نشسته بود و شرح شهادت را با آهنگ کشیده و حزن‌انگیزی می‌خواند. زیر پای او، زمین پوشیده از زانی بود که چادرهای سپاهشان را به طور مرتب به دور خود جمع کرده و با سرهای پوشیده نشسته بودند و روئند کتان سفید جلو صورتشان تا پایین روی دامنشان آویزان بود ... مردها بر روی سینه برهنه خود می‌کوفتند و اشک بر گونه‌هایشان سرازیر بود و گاه به گاه کلمات نوحه‌خوان را مضمون همسرایی خسته و ماتم‌زده‌ای قرار می‌دادند، یا با ناله زمزمه ماندنی وارد داستان او می‌شدند که شدت و قدرت می‌یافت تا به دورترین گوشه‌های چادر می‌رسید: «حسین! حسین! یا حسین!» (بل، ۱۳۶۳، ص ۴۲-۴۴)

گرتروید بل از تاریخ شهر ری در سفرنامه خود می‌نویسد: «... ری، پیر روزگاران، در عمر دراز خود، فراز و نشیبهای بسیاری را از سر گذرانده است. شهر دوبار دچار ویرانی شد، یکبار از زمین لرزه و بار دیگر به دست مهاجمان پارتی و هر بار با نامهای جدید از نو بپاخاست. ولی سرانجام در قرن دوازدهم، دشمنی بسیار ویرانگرتر از قبایل پارتی، و بسیار کینه جوتر از زمین لرزه، سراسر خراسان را درهم نوردید و آن سرزمین

حاصلخیز را به صورت بیابانی کنونی درآورد. مغولان، که از دوردست ترین نقطه کره زمین آمده بودند، در ری هیچ سنگی را بر سنگی باقی نگذاشتند و شهر بزرگ مادی را از صفحه تاریخ آدمیان زدودند. شهر تهران در چند میلی شمال غرب ری سربرآورده است تا پایتخت جدید ایران شود.» (بل، ۱۳۶۳، ص ۲۴-۲۵). او همچنین به بیان زیباییهای باغهای ایران، سابقه تاریخی میدین و بازارها و دروازه‌های تهران می‌پردازد. او راجع به دروازه‌های تهران می‌نویسد: «شهر، دروازه‌های متعدد دارد که با طاقها و برج‌های کوچک، مزین به طرح‌ها و نقشه‌ها و کتیبه‌های آجری، باروهای چینه‌ای را می‌شکافند. فضای درون دیوارها بزرگ است، ولی به هیچ وجه پر از خانه نیست...» (بل، ۱۳۶۳، ص ۱۸)

او می‌افزاید: «چون به محله شمال شرقی شهر رسید، وارد میدان وسیعی میشوید که آن را نمونه حد اعلای شکوه شهری تصور می‌کنند. در این مکان است که شاه سهم خود را در مراسم سالانه عید قربان ادا می‌کند و انبوهی از اهالی تهران گرد می‌آیند تا شاهد قربانی شدن شتری به دست ایشان باشند ... منظور او میدان توپخانه است.» (مترجم) (بل، ۱۳۶۳، ص ۲۰)

آنچه بدان اشاره شد، گذری بر سفرنامه گرتروید بل است که ایران و ایرانی را توصیف و دیده‌ها و شنیده‌های خود را ثبت کرده است. مطالعه سفرنامه‌ها نه تنها ما را با وضعیت ایران و مردمان ایران زمین در زمان‌های گذشته، بلکه با اهداف و دیدگاه سیاحان خارجی نیز آشنا می‌کند و خواننده را به بررسی بیشتر، جهت تأیید و یا تکذیب گفته‌های سیاح سوق می‌دهد.

منابع

- ۱- بل، گرتروید لوثیان، تصویرهایی از ایران، ترجمه بزرگمهر ریاحی، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۳.
- ۲- حقیقت، عبدالفریع، تاریخ روابط خارجی ایران از کهن‌ترین زمان تاریخی تا عصر حاضر، تهران: کومش، ۱۳۸۱.
- ۳- حکیمی، محمود، همراه با سیاحان و جهانگردان و مسافران تاریخ، تهران: آرون، ۱۳۸۳، ج ۱.
- ۴- حیدری، آزاده، تحلیل محتوای سفرنامه‌های ترجمه شده انگلیسی‌ها درباره ایران، موجود در کتابخانه‌های ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد تهران شمال)، ۱۳۸۵.
- ۵- فدایی عراقی، غلامرضا، کتاب و کتابخانه: مدیریت و توسعه فرهنگی (مجموعه مقالات)، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵.
- ۶- «اشعار حافظ از نظر اروپاییها». اخبار هفته، شماره ۷۸، (۱۷ اردیبهشت ۱۳۲۷)، ص ۱۶.

7- <http://www.rooznamak.com/index.asp?ID=854>

8- <http://www.magiran.com/npview.asp?ID=1551563>

9- http://www.hoshdar.net/articles_detail.php?aid=684

10- <http://www.kanoonezanan.com/spip.php?article1862>

پی‌نوشتها

- ۱ - طاهری، ابوالقاسم، ۱۳۵۴، تاریخ روابط بازرگانی و سیاسی ایران و انگلیس، ج ۲، ص ۳۰۵.
- 2- Edward Denison Ross
- 3- Arthur John Arberry
- 4- Gertrude Lowthian Bell
- 5- T.E.Lawrence
- 6- Gilbert Clayton
- 7-Percy Cox
- 8- Safar Nameh, Persian Pictures, A Book Of Travel
- 9- Poems From The Divan Of Hafiz
- 10- The Desert And The Sown
- 11- Persian Pictures

۱۲- گرتروود بل، تصویرهایی از ایران، ترجمه بزرگمهر ریاحی، مقدمه



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی